

قضاوت

لایحه
تکمیل

نویسنده: کلود برژه
مترجم: سوسن سلیمزاده

تاریخ چاپ: ۱۳۸۸، تیراز: ۱۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: دوم، قیمت: ۱۷۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۵۰-۵۸-۵

کلیه حقوق محفوظ است.

تهران: خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، پلاک ۱۳۹۰

تلفن: ۶۶۴۰۴۵۳۲ فکس: ۶۶۴۸۰۸۷۰

Email: Info@jeihoon.com

Website: www.jeihoon.com

Berger, Claude

برژه، کلود

ندانسته قضاوت نکنیم / نویسنده کلود برژه، مترجم سوسن سلیمزاده.

تهران: جیحون، ۱۳۸۶.

ISBN: 978-964-5150-58-5

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

Juger n'est pas jouer.

عنوان اصلی:

۱. کتابنامه به صورت زیرنویس. ۲. قضاوت. سلیمزاده، سوسن، ۱۳۴۶ - ، مترجم.

۳۳۷/۰۷۷

کتاب/پ ۴۳۰۰

۱۳۸۶

۱۰۵۱۸۲۴

کتابخانه ملی

فهرست

پیشگفتار	۷
مقدمه	۹
زمانی که قضاوت معتبر و مشروع است	۱۵
قضاوت: یک عمل، یک فرآیند	۱۵
قضاوت در جهان دادگستری	۱۶
قضاوت - ارزشگذاری	۱۷
معیارهای اعتبار	۱۸
معیارهای مشروعیت	۲۱
تاریخ قضاوت	۲۵
چند قضاوت	۲۶
آیا مثال‌های بالا معیارهای درستی برای قضاوت هستند؟	۲۹
قضاوت درباره اعمال خنثی	۳۱
قضاوت‌های قالبی	۳۳
قضاوت بر اعمالی که به طور عینی و ملموس عاملی قابل انتقاد دارند	۳۴
اختلال رفتاری	۳۶
قضاوت اعمالی که به یقین نکوهیده هستند	۳۷
در جستجوی علت‌ها	۴۹
حضور احساس	۵۱
در میدان احساسات	۵۵
احساس « اخلاقی »	۶۱
یک مانع دایمی	۶۲

- ۶۴.....خطر از دست رفتن نشانه‌ها
- ۶۶.....آیا به هدف رسیده‌ایم؟
- ۶۷.....نقص‌های پشت پرده
- ۶۸.....صدای «خویشمن یا من ...»
- ۷۱.....غرور و خودمحوری فطری
- ۷۵.....پیامدها
- ۷۵.....تأثیرات قضاوت بر روی کسی که مورد قضاوت قرار می‌گیرد
- ۷۷.....سنگینی یک نگاه
- ۷۸.....تأثیرات قضاوت بر شخصی که قضاوت می‌کند
- ۸۱.....حالت شخص ثالث
- ۸۳.....عبور از مرحلهٔ تئوری و ورود به عرصهٔ عمل
- ۸۵.....مراحل اولیه
- ۸۶.....دیدن بروزات قضاوت در وجود خویش
- ۹۱.....مبارزه
- ۹۶.....حداقل کار ممکن
- ۹۶.....چند شرط برای کامیابی
- ۹۹.....نتیجه

پیشگفتار

آثار چاپ شده در مجموعه « اخلاق در زندگی روزمره »، برگرفته از سخنرانی‌هایی است که در سمینارهای برگزار شده از سوی بنیاد استاد الهی^۱ - اخلاق و همبستگی انسانی - ایراد شده‌اند.

این آثار برای افرادی است در حوزه‌های گوناگون، مانند تعلیم و تربیت، پزشکی، مهندسی، وکالت، روزنامه‌نگاری، کارگزاری، مدیریت و ... که در زمینه علوم انسانی تخصصی ندارند، اما هر یک به شیوه خود به تحقیقی سیستماتیک (نظام‌مند) در محدوده اخلاق فردی رویکرد دارند. انگیزه این افراد که تحت عنوان گروه تحقیق اخلاق عملی GREA (Groupe de Recherche En Etique Appliquee) به کار مشغولند، یافتن شرایط و امکانات عمل به اخلاقیات در زندگی روزمره است، تا از این رهگذر شناخت بهتری درباره خود به دست آید، اخلاق فردی مسیر تکامل را پیمايد و از این طریق، به پیشرفت‌های اجتماعی کمک کند. بدین ترتیب، هدف آنان خروج از نگرش تنگ و محدود اخلاق نظری و اتخاذ روشی منطقی، ملموس و کارآمد در اخلاق عملی است.

نتایج این تحقیقات، کنفرانس‌های آزاد و تألیفات بسیار بوده است. هر مجلد این مجموعه به تفکر درباره یک ویژگی اخلاقی یا برعکس غیر اخلاقی اختصاص یافته و در هر مجلد نشانه‌های صفات مورد نظر، علل، انگیزه‌ها، اثرات و نیز راه‌های ارتقا یا خنثی کردن آنها بررسی می‌شوند. هر یک از این کتاب‌ها برای آن است که دریابیم چگونه برخی از نگرش‌های ما، که آنچنان به صورت

عادت در آمده‌اند که گویی بخش اصلی وجودمان هستند — در برابر ما چون موانع ناپیدا می‌ایستند و مانع رشد انسانیت در ما می‌شوند.

محققان و مؤلفان این مجموعه در برخی از تحلیل‌های عرضه‌شده توسط استاد الهی^۱ که بُعد معنوی وجود انسان را در ارتباط با خاستگاه الهی او می‌داند، به تحقیق می‌پردازند و در عین حال، در نظریات خود بذل توجهی دارند به منابع فلسفی، قضایی، روانشناسی، مذهبی و علمی. مثال‌های عینی و ملموسی که آنان ارائه می‌دهند، حاصل تحقیق و نیز تجارب شخصی ایشان است.

۱- استاد الهی، فیلسوف، موسیقیدان و قاضی عالی رتبه‌ای بوده است که تفکراتش در مورد اخلاق از چارچوب حرفه‌اش بسیار فراتر می‌رود، تا آن جا که یکی از فرزندان سده بیستم میلادی به شمار می‌آید. فلسفه «راه کمال» او بدیع و نوین است و به پرسش‌های اساسی درباره‌ی خاستگاه انسان، هویت اصلی و سرانجام او پاسخ می‌گوید.

مقدمه

در روابط هر روزه با دیگران، امکان قضاوت دیگری بسیار زیاد است. چنانچه زمانی را به بررسی دقیق این فرآیند ذهنی اختصاص دهیم، بی‌تردید از شمار چشمگیر قضاوت‌هایی که در طول روز ابراز می‌کنیم، شگفت‌زده خواهیم شد. همه این قضاوت‌ها به یک شکل نیستند. برخی از آنها در واقع پاسخی به یک نیاز یا ضرورت به شمار می‌آیند و می‌توان آنها را بجای و جایز دانست. با این همه، چنانچه تجزیه و تحلیل خود را کمی عمق بخشیم، در می‌یابیم در پس شمار زیادی از دیگر قضاوت‌های مان، ویژگی یکسویه بودن‌شان رخ می‌نماید. اگر برخی از قضاوت‌های ما ناشی از یک عمل فکر شده است، برخی دیگر بدون کم‌ترین نشانه‌ای از تفکر رخ می‌دهند. برخی از قضاوت‌هایی که انجام می‌دهیم، ارزیابی درستی از واقعیت را نشان می‌دهند. اما، پاره‌ای دیگر، پی‌آیند شناخت ناکافی ما از موضوع مورد نظر است - اگر نه عدم آگاهی کامل از آن.

در میان تمامی قضاوت‌های بدون فکر، شتابزده، نسبی یا اشتباه، باید آن دسته از آنها را که جزء خطاهای تخفیف‌ناپذیر هستند و در همه اقدامات مان (چه در اعمال، چه در افکار) حضور دارند، از قضاوت‌های دیگری بازشناسیم که وجه تمایزشان نیت و قصدی است که قضاوت را برمی‌انگیزد. چنین نیت و قصدی به درجات مختلف و شکل‌های کم و بیش نهانی، حاکی از بدخواهی، انتقادجویی و نیز نگاه تحقیرآمیز به دیگران است.

این دسته خاص از قضاوت‌ها، قضاوت‌های بدون فکر قلبی هستند که موضوع بحث این کتاب را تشکیل می‌دهند. در ضمن گسترده‌گی و رواج این نوع

قضاوت و عادت به آن نیز نشان داده شده است هر چند که تقریباً نزد همگان عملی طبیعی و عادی تلقی می‌شود و ما را برمی‌انگیزد تا بی‌اختیار دربارهٔ موجودیت، زندگی و اندیشهٔ هر آن کس که در پیرامون مان قرار دارد، اظهار نظر کنیم. این گونه نگرش و رفتار چنان برای مان امری پیش پا افتاده شده است که به ندرت حتی لحظه‌ای درنگ می‌کنیم تا درباره‌اش فکر کنیم. با وجود این، هر گاه زمانی را به اندیشیدن در این خصوص اختصاص دهیم، پی می‌بریم که عاملی مهم در این امر دخیل است، عاملی که در ظاهر ناپیداست.

به هنگام صحبت از قضاوت، فقط کافی است حوزه‌های گوناگون گسترهٔ فعالیت بشری را از نظر بگذرانیم تا دریابیم به چه مفهوم پُراهمیتی پرداخته‌ایم. بی‌تردید، حضور تقریباً فراگیر عمل قضاوت را می‌توان در بُن و ریشهٔ همهٔ این حوزه‌ها جستجو کرد. در هر زمینه‌ای از جمله فلسفه، منطق، عدالت، اخلاقیات، عمل و مذهب، هنگامی که واژهٔ « قضاوت » را به کار ببریم، همواره به مفهومی بنیادین ارجاع کرده‌ایم.

به هر تقدیر، جای شگفتی نخواهد بود اگر ما نیز همانند فیلسوفان قضاوت را یکی از کارکردهای اصلی فکر بدانیم. آنچه مورد قضاوت قرار می‌گیرد و همچنین شرایط زمانی و مکانی آن می‌تواند تغییر کند، اما عمل قضاوت همواره یکسان و ثابت باقی می‌ماند. لازم است همواره میان این دو شکل از قضاوت پیوندی برقرار کنیم و سمت و سوی فکر را بر ریشهٔ این ارتباط متمرکز کنیم. در واقع، ساده‌ترین شکل قضاوت در قالب یک گزارهٔ خبری است که ارتباطی را نشان می‌دهد: « مورد الف همان مورد ب است » یا به شکلی ملموس‌تر « آسمان آبی است »، « سکوت طلاست » یا « سقراط فانی است ». به این ارتباط، انتساب یک گزاره به یک نهاد می‌گویند. به عبارت دیگر، قضاوت، نسبت دادن یک صفت مثبت یا منفی به یک موجود، به یک رخداد، یک عمل یا یک شیء است. این گزارهٔ کوتاه می‌تواند سرآغاز همهٔ ادراکات باشد.

سرشت نقادانه که به رویکرد فلسفی و علمی جان می‌بخشد، چیزی جز جهت‌گیری فکر شده و روشمند در قضاوت نیست و همان راهی است که سقراط به آتنی‌ها آموخت تا بتوانند خود را از تصورات ذهنی قدیمی و افسانه‌ها آزاد



سازند. تمامی کسانی که در پی شناختن خود و جهانی هستند که در آن زندگی می‌کنند، همین راه را پی می‌گیرند.

برخی فلاسفه فرآیند شناخت را موضوعی برای تفکر خود قرار داده‌اند و توجه خاص به امر قضاوت دارند. آنان عقیده دارند که قضاوت شالوده‌ای را پی می‌ریزد که بنای اندیشه بر آن استوار می‌گردد، تا جایی که سازگاری کامل میان این دو را به اثبات می‌رساند. کانت می‌گوید: «ما می‌توانیم تمامی اعمال خطا و صواب خود را مورد قضاوت قرار دهیم، به ترتیبی که اعمال خطا و صواب به طور کلی به شکل قدرت قضاوت جلوه‌گر شود» و اضافه می‌کند که «اندیشیدن یعنی قضاوت کردن».

از نظر ریشه‌شناسی، واژه Jugement (قضاوت) از کلمه لاتین *judicare* می‌آید و به مفهوم عدالت مربوط می‌شود. در اصل، قضاوت به تصمیمی بازمی‌گردد که قاضی هنگام طرح دعوی اتخاذ می‌کند. قضاوت به معنای ارزشگذاری عمل بر پایه مجموعه قوانینی است که یک جامعه رسماً انتشار داده و نشان می‌دهد که عملی مجاز یا ممنوع است. در پایان فرآیند ارزشگذاری است که x را گناهکار یا بی‌گناه می‌شناسد. قضاوت در تماس با شغل‌هایی که با مقوله عدالت سر و کار دارند، مفهومی تخصصی و فنی پیدا کرده است و در حقیقت مدت‌ها بر روی آن تفکر و تجربه انجام گرفته و درس‌های پُرباری به ما می‌دهد. با گسترش کاربرد این واژه، قضاوت کم‌کم در دیگر اشکال ارزشگذاری نیز به کار گرفته شده است.

در حوزه اخلاق، قضاوت ابزاری برای ارزیابی آنچه نیک و حق است، به شمار می‌آید، زیرا این دو مفهوم اغلب جدایی ناپذیرند^۱ از رهگذر قضاوت اخلاقی، ما به درون محدوده خاصی از فعالیت‌های انسانی راه می‌یابیم و همین ارزش‌های اخلاقی است که در حقیقت خاستگاه عمل ما در جهان و در برابر

۱- افلاطون پیش از این نیز تعلیم داده بود که هر عمل نیکویی متضمن عدالت است. از رهگذر عدالت است که دیگر فضایل اخلاقی می‌توانند رشد کنند و توازن دو سوئه خود را به دست آورند. این مفهوم از عدالت در همه سنت‌های مغرب زمین به چشم می‌خورد. «فقط یک فضیلت وجود دارد و همانا عدالت است [...] عدالت شامل هر آن چیزی می‌شود که ما درباره خودمان، دیگران، کشور، شهر، والدین، دوستان، انسان‌ها یا حیوانات می‌گوییم». این سخن از دیدرو (Diderot) است که چند سده بعد از افلاطون در کتابش بنام *Entretiens avec Catherine II*, (chap. 7) آورده است.

دیگران به شمار می‌آید. می‌توان چنین نتیجه گرفت که هنگام قضاوت زیبایی شناسانه برای ارزیابی «زیبایی»، ما در حقیقت اساس کارها و فعالیت‌هایی را بررسی کرده‌ایم که خاص انسان است.

با وجود این، حوزه دیگری نیز وجود دارد که واژه قضاوت در آن نقش مهمی را ایفا می‌کند و آن، حوزه «دین» است. آنچه در کتب مقدس^۱ درباره امر قضاوت بیان شده است، چشم‌اندازهای دیگری را افزون بر موارد یادشده فرا روی مان می‌گشایند. از این رو، واژه قضاوت جنبه ماوراءالطبیعه در خور توجهی پیدا می‌کند و مفاهیم بنیادینی را که ساختار پیام دینی را شکل می‌دهند، در بر می‌گیرد. از دیدگاه دینی، قضاوت دو شکل دارد. در مفهوم خاص، قضاوت یک توانایی است که منحصرأ در اختیار خداوند قرار می‌گیرد، زیرا فقط اوست که شایستگی ارزیابی قلوب را دارد. به عبارتی، فقط خداوند می‌تواند نیت و مقاصد اصلی ما انسان‌ها را که در ورای سخنان و اعمال مان قرار دارد، تشخیص دهد و باز شناسد. لکن، با این که قضاوت حقیقت نهایی از آن خداوند است، اما در میان ما انسان‌ها افرادی هستند که مسئولیت قضاوت اعمالی که دیگران مرتکب شده‌اند، به آنها واگذار شده است. دستور و حکمی که بر این دسته از افراد قرار می‌گیرد، این است که عدالت را رعایت کنند: «به آنها دستور دادم که در همه حال، عدالت را کاملاً رعایت کنند، حتی نسبت به غریبه‌ها. به آنها گوشزد کردم: هنگام داوری از کسی جانبداری نکنید، بلکه نسبت به بزرگ و کوچک یکسان قضاوت نمایید. از مردم نترسید، چون شما از طرف خداوند داوری می‌کنید و هر مسئله‌ای که حل آن برای تان مشکل است نزد من بیاورید تا من آن را فیصله دهم» (سفر تثنیه، ۱۶، XXV، ۱۵).

برای آن دسته از افرادی که شغل‌شان قضاوت نیست، هشدار زیر آمده است که نشان می‌دهد قضاوت امتیازی محسوب نمی‌شود، زیرا ایشان را چنین خطاب قرار می‌دهد: «حکم نکنید تا بر شما حکم نشود، زیرا بدان طریقی که

۱- منظور از «کتب مقدس»، کتاب‌های سنت ابراهیمی است (یهودیت، مسیحیت و اسلام) که توجهی بی‌واسطه به قلمروی تمدن ما ندارند. این کتب درباره اصل مفهوم «قضاوت» با یکدیگر توافق نظر دارند.



حکم کنید، بر شما نیز حکم خواهد شد و بدان پیمانهای که پیمایید، برای شما خواهند پیمود» (متی، ۱: ۷).

با نگاهی گذرا به حوزه‌های گوناگونی که به نوعی با امر قضاوت سر و کار دارند، می‌توان نکات زیر را نتیجه گرفت:

* قضاوت، قوه تشخیص و تمیز است.

* قضاوت می‌تواند در فکر یا در عمل انجام پذیرد.

* قضاوت امری ضروری است، چنان که می‌توان آن را در همه اعمال انسانی پیدا کرد. قضاوت پایه و شالوده انتخاب‌های ما را تشکیل می‌دهد و وسیله‌ای برای آزادی و خودسازی ما به شمار می‌آید.^۱

ما هم اکنون در پس زمینه این گزارش به اهمیت قضاوت و نقش بنیادین آن اشاره کردیم. اینک، به مسئله قضاوت منفی می‌پردازیم. قضاوت منفی قضاوتی است که در مورد دیگری انجام می‌دهیم و کم و بیش، قصد و نیت ما محکوم کردن اوست.

اینک، پس از ارائه تعریفی از عمل قضاوت، می‌کوشیم تا در وهله نخست معیارهای قضاوت دیگران را که بخشی از آن معتبر و بخشی دیگر جایز است، آشکار سازیم. سپس، چند مورد از قضاوت‌های منفی را در پرتوی معیارهای‌شان بررسی خواهیم کرد تا شناخت بهتری از آن پیدا کنیم:

۱- کارکرد فکری که قضاوت جزئی از آن است، بسیار اهمیت دارد، چندان که امروزه توجه بسیاری از پژوهشگران را در زمینه‌های گوناگون از جمله علوم رفتارشناسی و انفورماتیک به خود جلب کرده است. پژوهشگران رفتارشناسی، شناخت ساز و کارهای ناخودآگاه فکری و توهماتی که سبب بروز اشتباه در قضاوت‌های‌مان می‌شود، مورد مطالعه قرار داده‌اند و نیز به بررسی پیامدهای مضر آنها در برنامه خود پرداخته‌اند. از دیدگاه شماری دیگر مانند ماسیمو پیالیتی پالمارینی (Massimo Pioletti Palmarini) که مدیر مرکز علوم رفتارشناسی مؤسسه فن آوری ماساچوست ایالات متحده است، روانکاوی زندگی عاطفی نیز به همین اندازه اهمیت دارد (Reforme du jugement ou Comment ne plus se tromper, Paris, Editions Odile Jacob). و اما، کسانی که با انفورماتیک سر و کار دارند از مدت‌ها پیش سیستم کمکی برای تصمیم‌گیری را توصیه کرده‌اند که همان استفاده ویژه از هوش مصنوعی است. هدف این سیستم‌ها، حل و فصل مسائلی است که هنگام ارزیابی وضعیت‌های نامشخص و پیچیده پیش می‌آید.

* این قضاوت‌ها چگونه خود را آشکار می‌سازند.

* منفی بودنشان در چه چیزی است.

این تحقیق را با پرداختن به ریشه‌های این شیوه رفتاری پی می‌گیریم و آنچه را به راستی هنگام نگاه محکوم‌کننده‌مان به دیگران رخ می‌دهد، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

از آن جا که چنین رفتاری هم بر فرد قضاوت‌شده و هم بر فرد قضاوت‌کننده تأثیر می‌گذارد، نباید در مورد آن مسامحه کرد. در خاتمه، مشکلاتی را که در پی قضاوت نادرست برای خودمان و دیگران به وجود می‌آید و راه‌های رفع آنها را به بحث می‌گذاریم.